


## The Moral and Devotional Characteristics of Abd al-Rahman in Surah Al-Furqan and Nahj al-Balagha

**Reza Hajiyan Hosseinabadi**  / Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Sciences, Payam Noor University hajian@pnu.ac.ir

**Ehsan Pirdadeh Beiranvand** / MA Student in Quran and Hadith Sciences, Payam Noor University pirdadeh69@gmail.com

**Amir Ahmad Azimi** / MA in Nah al-Balagha, Lorestan University amirahmadazimi@gmail.com

**Received:** 2024/01/31 - **Accepted:** 2024/06/08

### Abstract


As one of the most important programs in human life, Islamic education has always been the focus of religious researchers and scholars. It can provide health to the body and soul of man and play a significant role in his exaltation and development. Therefore, the teachings of the Holy Quran encompass the educational dimensions of man from different aspects and offer a complete and precise program to guide each individual in society. Using the descriptive-analytical method, the present study seeks to examine the moral and devotional characteristics of the servants of the Most Gracious God in the blessed Surah Al-Furqan and Nahj al-Balagha. In fact, the Islamic society can achieve its lofty goals by getting to know the divine teachings and educational concepts of Islam. The research results show that in Surah Al-Furqan, fourteen components are mentioned to identify the special servants of God in two moral and devotional dimensions, each of which is somehow related to the individual and social life of man. Therefore, man must establish his relationships on the basis of respecting the rights of others and obeying a pious leader in order to gain God's satisfaction and pleasure.

**Keywords:** devotional-moral characteristics, servants of the Most Gracious God, Surah Al-Furqan, Nahj al-Balagha.

نوع مقاله: ترویجی

## ویژگی‌های اخلاقی و عبادی عبادالرحمن در سوره مبارکه فرقان و نهج البلاغه

hajian@pnu.ac.ir  
pirdadeh69@gmail.com  
amirahmadazimi@gmail.com

رضا حاجیان حسین‌آبادی  / استادیار گروه الهیات و علوم اسلامی دانشگاه پیام نور  
احسان پیرداده بیرونوند / دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور  
امیراحمد عظیمی / کارشناس ارشد نهج البلاغه، دانشگاه لرستان  
دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹

### چکیده

تربیت اسلامی یکی از مهم‌ترین برنامه‌های زندگی بشر است که از گذشته تا کنون مورد توجه پژوهشگران و محققان دینی قرار گرفته است؛ زیرا کیفیت تحقق آن می‌تواند سلامت جسم و روح بشر را فراهم نماید و در تعالی و تکامل او نقش بسزایی داشته باشد. از این رو، آموزه‌های قرآن کریم، ابعاد تربیتی انسان را از زوایای مختلف دربر گرفته و برای هدایت تک تک افراد جامعه، برنامه‌ای کامل و دقیقی را طراحی نموده است. بر این اساس، پژوهش حاضر سعی دارد به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ویژگی‌های اخلاقی و عبادی عبادالرحمن در سوره مبارکه «فرقان» و «نهج البلاغه» بپردازد، تا جامعه اسلامی بتواند با شناخت آموزه‌های الهی و با تأثیرپذیری از مفاهیم تربیتی آن به اهداف عالی خود دست یابد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در سوره «فرقان»، چهارده مؤلفه برای شناسایی بندگان ویژه خداوند در دو بعد اخلاقی و عبادی ذکر شده، که هر یک از آنها به گونه‌ای با زندگی فردی و اجتماعی انسان ارتباط دارند. از این رو، انسان باید روابط و مناسبات خود را بر پایه احترام به حقوق دیگران و اطاعت از پیشوای پرهیزکار در جهت کسب رضایت و خشنودی خداوند استوار سازد.

کلیدواژه‌ها: ویژگی‌های عبادی، اخلاقی، عبادالرحمن، سوره فرقان، نهج البلاغه.

## مقدمه

نفسانیت فرو می‌غلطد و موجودی فاسد و بی‌رحم می‌شود. از این رو، بر جامعه اسلامی لازم است که آموزه‌ها و نکات تربیتی استخراج‌شده از قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام را محور اصلی برنامه زندگی خود قرار داده تا بتوانند به مدارج و مراحل کمال و سعادت و به مرحله عبودیت واقعی دست یابند. آن‌گونه که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در اهمیت تربیت می‌فرماید: «هر کس به آداب الهی تربیت یابد، آن تربیت، او را به رستگاری جاودان می‌رساند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۳، ص ۲۱۴).

بنابراین، پژوهش حاضر درصدد است به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ویژگی‌های اخلاقی و عبادی عبادالرحمن در سوره مبارکه «فرقان» و «نهج البلاغه» بپردازد، تا به پرسش‌های ذیل پاسخ گوید:

در سوره «فرقان» به چه ویژگی‌های اخلاقی و عبادی از عبادالرحمن اشاره شده است؟ در نهج‌البلاغه به چه مؤلفه‌های اخلاقی و عبادی از بندگان خاص الهی اشاره شده است؟

در زمینه پیشینه این پژوهش، محققان و پژوهشگران بسیاری کتاب‌ها و مقالاتی را به نگارش درآورده‌اند. از جمله: مقاله «عبادالرحمن» (خدادادی، ۱۳۷۹)، صفات و ویژگی‌های عبادالرحمن در آیات ۶۸-۶۳ سوره «فرقان» را مورد بررسی قرار داده و نتیجه می‌گیرد که در این آیات به برخی از صفات مؤمنان همچون تواضع، رفتار آنها در برابر جاهلان، عبادت و انفاق بندگان ویژه خدا اشاره شده است.

مقاله «ویژگی‌های ایمان و مؤمنین در قرآن و سنت» (زمانی، ۱۳۸۸)، نویسنده تلاش کرده تا اندازه‌ای به حقیقت ایمان و پاره‌ای از ویژگی‌های مؤمنان در دو بعد فردی و اجتماعی اشاره کند.

مقاله «سیمای عبادالرحمن در نهج‌البلاغه» (عارفی میناآباد، ۱۳۹۵)، به بررسی موضوعی «عبادالرحمن» و ویژگی‌های آنها در خلال تفسیر آیات سخنان عرفا و بیانات حضرت علی علیه‌السلام در نهج البلاغه پرداخته و نتیجه می‌گیرد، هر کس که به بندگی حقیقی خداوند دست یابد؛ زیرا سایه اسم «الرحمن» خداوند قرار می‌گیرد و صادقانه به صفات «عبادالرحمن» آراسته می‌شود و در زمره آنان قرار گرفته و از چشمه‌های رحمت الهی بهره‌مند می‌شود و در دنیا و آخرت سعادت‌مند خواهند بود.

کتاب *سیمای انسان کامل در قرآن* (سبحانی، ۱۳۹۷)، به چهارده علامت و نشانه برای بندگان خدا اشاره کرده است.

مسئله تربیت، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که از دیرباز مورد توجه پیشوایان دینی بوده و روزگار و عصری را از توجه به این واقعیت مهم خالی نمی‌توان یافت؛ چراکه سلامت روانی هر فرد و جامعه‌ای در گرو تربیت الهی و انسانی است. به گونه‌ای که از آیات قرآن کریم چنین برمی‌آید که هدف مهم بعثت پیامبران، ارشاد به اصلاح اخلاق و تطهیر ارواح بشر از زشتی‌هاست تا بشر در سایه شناخت و به کار بستن آموزه‌های الهی به سعادت حقیقی و صلاح واقعی و کامیابی زندگی در دنیا و آخرت دست یابد و از چیزهای پلید و زشت و نابسامانی در امان بماند.

قرآن کریم، مردم را بر اساس عقیده به سه دسته تقسیم کرده است: پارسایان (مؤمنان)، کافران و منافقان. هر یک از اینها، ویژگی‌هایی دارند که از دو نوع دیگر او را جدا می‌کند. از سوی دیگر، این تقسیم‌بندی نشان‌دهنده اهمیت عقیده در ساختار شخصیت انسان و تشخیص ویژگی‌های متمایزکننده اوست و رفتار انسان را به شکلی خاص و مشخص که موجب تمایز او از دیگران شود، جهت می‌دهد. این دسته‌بندی همچنین نشان می‌دهد که عامل اساسی در ارزشیابی شخصیت از منظر قرآن، عقیده است (نجاتی، ۱۳۶۷، ص ۳۰۴).

از این رو، سوره «فرقان» یکی از سوره‌هایی است که مضامین آن نکات تربیتی بسیار مهمی را دربر گرفته و از دسته اول به عنوان «عبادالرحمن»؛ یعنی بندگان خاص خداوند یاد کرده است. در قرآن کریم، گاهی کلمه «عباد» به «الله» اضافه شده مثل «عبادالله» یا به «الرحمن» در آیه ۶۳ سوره «فرقان»، یا به «یای متکلم» مثل «عبادی»، یا گاهی با الف و لام و گاهی بدون الف و لام و اضافه آمده که انتخاب لفظ «رحمن» به جای الله و اضافه شدن لفظ «عباد» به آن، ممکن است به این علت باشد که سخن از بندگانی است که رحمت واسعه الهی آنها را فراگرفته است و به سوی کانون رأفت و مهربانی ره می‌پیمایند، به گونه‌ای که رحمت عام الهی در دنیا و رحمت خاص خداوند در آخرت آنها را فراگرفته و خداوند منان بالاترین درجات و مقامات را به آنان عنایت خواهد کرد.

آنچه ضرورت پرداختن به این موضوع را ایجاب می‌کند، این است که ذات وجود انسان و حقیقت ملکوتی او جز با تربیتی واقعی شکوفا نمی‌شود، و اگر انسان با تربیت الهی به سوی حقیقت وجودی خویش سیر نکند، در مرتبه طبیعت خود متوقف می‌ماند و در سرایشی

مقاله «الگوی تربیتی آیات حج با تکیه بر تفسیر المیزان» (خوشفر، ۱۳۹۸)، آیات سوره «حج» را با رویکرد تربیتی مورد بررسی قرار داده و نتیجه می‌گیرد که روش بسیار مؤثر عنوان‌گزینی و کدگذاری است که در این زمینه بر روی آیات حج، انسان‌سازی را به صورت فشرده در قالب الگوهایی ترسیم می‌کند تا رابطه عناوین اتخاذشده در آیات حج را نشان دهند.

مقاله «رابطه عبد و رب» (خاصیان سرابی و دیگران، ۱۳۹۹)، به تبیین رابطه عبد و رب در قرآن پرداخته و آن را به عنوان یک راهکار اخلاقی مطرح می‌کند. از سوی دیگر، پذیرش رابطه عبد و رب به عنوان اساسی‌ترین رابطه انسان و خدا از طرف انسان، به تربیت اخلاقی او منجر می‌شود.

مقاله «رابطه عبد و رب» (خاصیان سرابی و دیگران، ۱۳۹۹)، به تبیین رابطه عبد و رب در قرآن پرداخته و آن را به عنوان یک راهکار اخلاقی مطرح می‌کند. از سوی دیگر، پذیرش رابطه عبد و رب به عنوان اساسی‌ترین رابطه انسان و خدا از طرف انسان، به تربیت اخلاقی او منجر می‌شود.

علی‌رغم پژوهش‌های صورت‌گرفته، تاکنون پژوهشی که بتواند ویژگی‌های اخلاقی و عبادی عبدالرحمن در سوره مبارکه «فرقان» و «نهج البلاغه» را مورد بررسی قرار دهد به نگارش درنیامده، و از این نظر بدیع و نو به نظر می‌رسد.

## ۱. مفهوم‌شناسی

واژه «تربیت» از ریشه «رَبُّو» به معنی افزونی، افزایش، توسعه و پدیدار گشتن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۲۶). تربیت یعنی «مهمیا ساختن زمینه برای پروراندن استعدادها درونی هر موجود و به ظهور و فعلیت رسانیدن امکانات بالقوه موجود در درون او» (سادات، ۱۳۷۱، ص ۷).

واژه «عبد» دارای دو اصل متضاد است: ۱) نرمی و رامی که ظاهراً خود این اصل دو کاربرد پیدا کرده است: اول، بنده و پرستش‌گر خدا که جمع آن عباد است. دوم «عبد» به معنای مملوک که در واقع خادم مولای خویش است؛ ۲) شدت و صلابت که به لباس سخت و محکم گفته می‌شود و از همین معناست غضب و نفرت از چیزی داشتن (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۰۵-۲۰۷؛ فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۸-۵۰؛ جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۰۲-۵۰۵)، اما در اصطلاح به کسی می‌گویند که خود را مالک خویش نمی‌داند، بلکه وجودش را متعلق به خدا بداند و در برابر او تسلیم محض باشد و در اطاعت او هرگز به خود سستی راه ندهد، از این‌رو، تنها کسی می‌تواند شایسته پرستش باشد که نهایت احسان و بخشش را کرده باشد و او کسی جز خدای سبحان نیست

## ۲. ویژگی‌های اخلاقی و عبادی عبدالرحمن در سوره «فرقان»

تربیت اسلامی ابعاد مختلفی همچون جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و عبادی دارد، که هر یک از آنها نقش بسزایی در تعالی و تکامل انسان دارد. از مهم‌ترین ابعاد تربیت، که در سوره مبارکه «فرقان» به آن اشاره شده، بعد اخلاقی و عبادی بندگان خاص خداوند است. از این‌رو، بر جامعه اسلامی لازم است جهت دستیابی به اهداف عالی خود نسبت به این ویژگی‌ها شناخت پیدا کند و سبک زندگی خود را متناسب با آنها تغییر دهد.

### ۲-۱. ویژگی‌های اخلاقی عبدالرحمان در سوره «فرقان»

تربیت اخلاقی یکی دیگر از ابعاد تربیت در دین مبین اسلام می‌باشد که در قرآن مجید از آن به لفظ «تزکیه» یاد شده است، به گونه‌ای که در وصف پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «وَ يَزَكِيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲)؛ و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد. عده‌ای از مفسران قرآن، تزکیه را از این جهت بر

صورتی است که بنا به گفته راغب اصفهانی کلمه «هون» به معنای تذلل باشد، ولی اگر آن را به معنای رفق و مدارا در نظر بگیریم، معنای آیه این می‌شود که مؤمنان در راه رفتشان تکبر ندارند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۳۱).

امیرالمؤمنین علی<sup>علیه السلام</sup> که خود نمونه‌ای والا در تربیت اسلامی بود، به تبع از آیات قرآن درباره این صفت از اوصاف متقین می‌فرماید: «وَ مَشِيئُهُمُ التَّوَّاضُعُ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۳، خطبه ۱۹۳)؛ راه رفتن آنها تواضع و فروتنی است. بنابراین، تواضع و فروتنی سنگ زیربنای بسیاری از صفات و رفتارهای انسانی و اخلاقی است و برخوردهای صحیح اجتماعی، بر اساس آن تنظیم می‌شود. چنین صفتی، نه تنها موجب تهذیب نفس خواهد شد، بلکه جلب احترام دیگران را به دنبال دارد. از این رو، با توجه به آیات و روایات معصومان<sup>علیهم السلام</sup> خشوع شدن قلب در برابر عظمت الهی موجب خاشع شدن جوارح و اعضای انسان خواهد شد.

#### ۲-۱-۲. حلم و بردباری در برابر جاهلان

یکی دیگر از ویژگی‌های اخلاقی که خداوند مردم بالیمان را به آن فرامی‌خواند، حلم و بردباری در برابر جاهلان است. آن گونه که خداوند می‌فرماید: «وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (فرقان: ۶۳)؛ هنگامی که افراد نادان با آنان سخن گویند، آنان پاسخ دور از لغو و گناه به آنان می‌گویند. مراد از خطاب جاهلان حرکت‌های ناپرخردانه بی‌خردان است، مانند تمسخر، فحش و ناسزا و یا مجادله آنان از روی هوا و هوس. واژه «سلاماً» کنایه از نادیده گرفتن آنان و روی برتافتن از آنهاست، تا آنان تحقیر شوند و از کاری که شایسته انسان فرهیخته نیست، اجتناب کنند (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۷۸). سلامی که نشانه بی‌توجهی توأم با بزرگواری است، نه ناشی از ضعف و سستی، سلامی که دلیل عدم مقابله به مثل در برابر جاهلان و سبک‌مغزان است، سلام وداع گفتن با سخنان بی‌رویه آنها است، نه سلام تحیت که نشانه محبت و پیوند دوستی است، در مجموع سلامی که نشانه بردباری و بزرگواری است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۱۴۹). امام علی<sup>علیه السلام</sup> در این باره می‌فرماید: «ای کمیل! صدقه در پیشگاه خدا زیاد می‌شود. ای کمیل! خوی نیک مؤمن از فروتنی است و زیبایی‌اش پاکدامنی، شرفش مهربانی است، عزتش واگذاردن سر و سداست. ای کمیل از جدال بپرهیز؛ زیرا خود را به نادانان می‌چسبانی و برادران را تباه می‌کنی. ای کمیل! هرگاه درباره خدا بحث می‌کنی،

تعلیم کتاب و حکمت مقدم می‌شمارند که آن را به عنوان هدف در نظر گرفته‌اند، چون که هدف اصلی بعثت پیامبران، تربیت بوده و بقیه همانند مقدمه آن است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۵۸). به همین دلیل، بیشترین کوشش‌های انبیای الهی و مصلحان جوامع اسلامی، مصروف این امر شده که با تربیت صحیح، فضائل اخلاقی را در فرد فرد جامعه پرورش دهند و ردائل را به حداقل برسانند تا اعمال که تراوش صفات اخلاقی است اصلاح گردد. از این رو، در این بخش از پژوهش به برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی عبادالرحمان که در سوره «فرقان» به آن اشاره رفته است، پرداخته می‌شود.

#### ۲-۱-۱. تواضع

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاقی عبادالرحمان که در سوره «فرقان» به آن توجه ویژه شده، تواضع است. تا آنجا که خداوند متعال در قرآن کریم، هنگامی که بندگان خوب خود را مطرح می‌کند و به معرفی آنان می‌پردازد، اولین صفتی را که از آنان به نمایش می‌گذارد و زیبایی آنها را در قالب آن صفت نشان می‌دهد، «تواضع و فروتنی» است (حسینی، ۱۳۹۰، ص ۲۴۸)، آن گونه که می‌فرماید: «وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» (فرقان: ۶۳)؛ بندگان خدا آن کسانی هستند که با تواضع راه می‌روند. اضافه شدن عباد به رحمان از باب تشریف، تکریم و برتری است (طلطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱۰، ص ۲۱۷). واژه «هون» مصدر است و به معنای نرمی و آرامش و تواضع است و استعمال مصدر در معنای اسم فاعل در اینجا به خاطر تأکید است؛ یعنی آنها چنان آرام و متواضع‌اند که گویی عین تواضع شده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۷۲). بنابراین، این گونه به نظر می‌رسد که مراد از راه رفتن در زمین کنایه از زیستن با مردم و مجالست با آنها باشد. پس مؤمنان، علاوه بر اینکه نسبت به خداوند منان فروتنی و تذلل دارند، نسبت به مردم چنین‌اند؛ زیرا تواضع آنان مصنوعی نیست، در حقیقت از عمق جان، افتادگی و تواضع دارند و چون چنین‌اند، ناگزیر، نه نسبت به خداوند تکبر می‌ورزند و نه در زندگی می‌خواهند که بر دیگران برتری جویند و بدون حق، دیگران را پایین‌تر از خود بدانند و هرگز برای به دست آوردن ارجمندی خیالی که در دشمنان خدا می‌بینند در برابر آنان خضوع و ابراز خواری نمی‌کنند. پس خضوع و تذلل‌شان در برابر مؤمنان است نه کفار و دشمنان خدا. البته این در

مگر با خردمندان روبه‌رو نشو و این سخن واجب است. ای کمیل اینان نادانانند، چنان که خدای تعالی فرموده است: آیا همچون ابلهان ایمان بیاوریم؟ بدانید اینها همان ابلهان‌اند، ولی نمی‌دانند (بقره: ۱۳). ای کمیل در هر دسته‌ای، گروهی می‌باشند که از گروهی بلندپایه‌ترند و از مباحثه با مردمان پست بپرهیز و هرچه بگویند تحمل کن و از آنان که خداوند آنان را به فرموده خودش: «وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» توصیف کرده، باش» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴، ص ۲۶۸).

### ۲-۱-۳. عدم حضور در مجالس گناه

از دیگر صفات عبدالرحمن، کناره‌گیری از مجالس گناه‌آلود است. خداوند بزرگ برای صیانت افراد از ارتکاب گناه، حریمی برای آن قائل شده و آن همان شرکت در مجالس گناه می‌باشد. شرکت در این مجالس به منزله از بین بردن عزت و ارجمندی خود در نزد خدا و مردم است. از این‌رو، خداوند درباره بندگان ویژه خود می‌فرماید: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ...» (فرقان: ۷۲)؛ کسانی که در مجالس گناه حاضر نمی‌شوند... . واژه «لزور» در دو معنا به کار رفته است: اول مجالس باطل؛ دوم غنا (سیدکریمی حسینی، ۱۳۸۲، ص ۳۶۶). اگر مراد از «زور»، دروغ باشد، تقدیر کلام چنین می‌شود که: بندگان رحمان کسانی هستند که گواهی به زور نمی‌دهند، ولی اگر مراد از «زور» اعمال لهو باطل از قبیل غناء و مانند آن باشد، معنایش این است که بندگان ویژه خداوند، کسانی هستند که در محفل باطل حاضر نمی‌شوند. از میان این دو احتمال، ذیل آیه با احتمال دومی مناسب‌تر است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۳۷-۳۳۸). از این‌رو، انسان‌های پرواپیش به این علت از منکرات و قبايح، به دور هستند که حدود و مقررات شرع را می‌دانند و رعایت می‌نمایند؛ زیرا آنها دارای ملکه عدالت هستند و از این‌رو، بدی‌ها و زشتی‌ها از محور دایره وجود آنها پنهان است (علوی تراکمه‌ای، ۱۳۷۷، ص ۱۵۴). بنابراین، کناره‌گیری انسان از مجالس گناه نه تنها موجب می‌شود که او به حقوق دیگران احترام بگذارد و نزد خداوند عزیز و سرافراز شود، بلکه در بین سایر افراد جامعه از مقام و منزلتی والا برخوردار شود.

### ۲-۱-۴. پرهیز از کارهای بیهوده

تلاش و جدیت در امر آخرت با انجام اعمال زشت و بد منافات دارد

و انسان را از ادامه مسیر به سوی حق بازمی‌دارد. از این‌رو، قرآن کریم یکی از ویژگی‌های بندگان ویژه خداوند را پرهیز از کارهای بیهوده ذکر می‌کند: «وَ إِذَا مَرَّوَا بِالْعَمْرِوِّ كِرَامًا» (فرقان: ۷۲)؛ و هنگامی که با سخن لغو و یا کار بیهوده روبه‌رو شدند، بزرگوارانه می‌گذرند و خود را آلوده نمی‌نمایند. واژه «لغو» به هر رفتار و گفتاری گفته می‌شود که مورد اعتنا نباشد و هیچ فایده‌ای که غرض عقلا بر آن تعلق گیرد، نداشته باشد، به گونه‌ای که اشاره کرده‌اند: همه گناهان را دربر می‌گیرد. منظور از «مرور به لغو»، گذر کردن به اهل لغو است، در حالی که آنها مشغول اعمال لغو باشند، معنای آیه این است که عبدالرحمن چون به اهل لغو گذر می‌کنند و آنان را سرگرم لغو می‌بینند، از آنها روی برمی‌گرداند و خود را پاک‌تر و منزله‌تر از آن می‌داند که در جمع آنان درآیند و با آنها آمیزش و مصاحبت کند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۳۸). در حالی که مغنیه می‌گوید: مقصود از واژه «لغو» هر چیزی است که در آن خیری وجود نداشته باشد (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۷۸۵). امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید: «غَايِبًا مُنْكَرُهُ خَاصِرًا مَعْرُوفُهُ مُقْبِلًا خَيْرُهُ مُدْبِرًا شَرُّهُ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۳، خطبه ۱۹۳)؛ منکرات از او غایب، معروف و کارهای شایسته او حاضر، آشکار و نیکی‌اش رو آورده و شرش پشت کرده است. به گونه‌ای که کارهای زشت و حرام از اهل تقوا به دور است و کارهای نیک از واجب گرفته تا مستحبات نزد ایشان حضور دارد؛ یعنی حرامی را مرتکب نشده و واجبی را فروگذار نمی‌کنند و در رعایت مستحبات نیز کوشا می‌باشند؛ زیرا آنها به رعایت حدود الهی پایبند هستند و این از ملکه عدالت و ورع ایشان سرچشمه می‌گیرد (ابن‌میثم، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۷۶۷). بنابراین، انسان مؤمن با شناخت و معرفتی که از کار خیر و شر دارد، هیچ وقت شر را به جای خیر بر نمی‌گزیند.

### ۲-۱-۵. عفت و پاکدامنی

یکی دیگر از مؤلفه‌های بندگان خاص خداوند، عفت و پاکدامنی است که از آن در متون دینی به عنوان بهترین راه برای مبارزه با آلودگی‌های اخلاقی یاد شده است. آنجا که خداوند درباره این‌گونه افراد می‌فرماید: «وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا» (فرقان: ۶۸)؛ و زنا نمی‌کند و هر کسی مرتکب شود به کیفر خود می‌رسد. آنان بر سر دو راهی حق و باطل، حق را برمی‌گزینند و بر سر دو

۱۳۹۳، حکمت ۱۰۵)؛ همانا خدا... از چیزهایی نهی فرمود حرمت آنها را نگاه دارید. این کلام امام علیه السلام اشاره به گناهان کبیره و صغیره‌ای دارد که در کتاب و سنت وارد شده و به دلیل مفاسدی که برای دین و دنیای مردم دارد، تحریم شده‌اند.

#### ۷-۲. پیشوای متحد و مسئول پرهیزکاران

یکی دیگر از بارزترین ویژگی‌های بندگان خالص خدا این است که آنها هرگز به این خرسند نیستند که خود راه حق را بسپارند، بلکه عزم و اراده آنچنان بلندمرتبه است که می‌خواهند امام و پیشوای مؤمنان قرار گیرند و دیگران را نیز به این راه فراخوانند. از این رو، خداوند در وصف آنان می‌فرماید: «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان: ۷۲)؛ ما را پیشوای پرهیزکاران قرار بده. ابن عباس گفته است: یعنی ما را پیشوای پرهیزکاران کن تا آنها که بعد از ما خواهند آمد روش ما را پیش گیرند. مجاهد گفته است: یعنی ما را پیرو پرهیزکاران گذشته و پیشوای پرهیزکاران آینده کن. بعضی مردم بصره کلمه «اماماً» در آیه را به معنای جماعت دانسته‌اند، و معنی چنین می‌شود: ما را از گروه پرهیزکاران کن. بعضی مردم کوفه گفته‌اند: این کلمه مفرد و جمع آن «ائمه» است، و معنای این است که ما را پیشوا کن و ظاهر آیه این است که همین معنی مقصود باشد (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۶، ص ۴۰۰). امیرالمؤمنین علیه السلام درباره نقش امامت در جامعه می‌فرماید: «وَ الْأَمَانَةُ (الإمامة) نِظَامًا لِلْأُمَّةِ وَ الطَّاعَةَ تَعْظِيمًا لِلْإِمَامَةِ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۳، حکمت ۲۵۲)؛ خداوند، امانت (امامت) را برای سامان یافتن امور امت و فرمان برداری از امام را برای بزرگداشت مقام رهبری واجب کرد. امام در این حکمت گرانمایه از خود به عنوان محور اتحاد جامعه و از امامت به عنوان محور انسجام جوامع اسلامی یاد کرده است. از این رو، برای حفظ اتحاد ملی، باید جابگاه والا رهبری نگه داشته شود و همه مردم از آن محور همدلی و هم‌بانی پیروی کنند (محدثی، ۱۳۸۶، ص ۳۲). در نتیجه، امام عامل اتحاد و انسجام جامعه و مایه همبستگی افراد با یکدیگر است و اگر در جامعه نباشد شیرازه آن از هم گسسته و شالوده آن سست و بی‌ثبات خواهد شد.

#### ۲-۲. ویژگی‌های عبادی عباد الرحمن در سوره «فرقان»

یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت اسلامی، تربیت عبادی است که به معنای «ایجاد تدریجی و گام به گام روح بندگی و حالت تذلل نسبت

راهی امنیت و نامنی جان‌ها، امنیت را و بر سر دو راهی پاکی و آلودگی، پاکی را، آنها محیطی عاری از هر گونه شرک، نامنی، بی‌عفتی و ناپاکی را با کار و تلاش خود مهیا می‌سازند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۱۵۶-۱۵۷). امیرمؤمنان علیه السلام نیز یکی از صفات متقین را پارسایی و پاکدامنی توصیف می‌کند: «وَ أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۳، خطبه ۱۹۳)؛ نفوسشان عقیف و پاک است؛ همان عفتی که انسان را وادار به چشم‌پوشی از هوا و هوس و گناه می‌کند. ایشان درباره ارزش عفت و پاکدامنی می‌فرماید: «مَا الْمَجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِنْ قَدَرِ فَعْفٍ كَذَا الْعَفِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۳، حکمت ۴۷۴)؛ پاداش شهید در راه خدا، بزرگ‌تر از پاداش عقیف پاکدامنی نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی‌گردد. همانا عقیف پاکدامن فرشته‌ای از فرشته‌هاست. امیرالمؤمنین علیه السلام مسئله پاکدامنی و عفت و چشم‌پوشی از گناه را زمانی که انگیزه‌های شدید آن در انسان زنده می‌شود، کمتر از مقام شهادت در راه خدا نمی‌داند و این نشان می‌دهد که اسلام تا چه اندازه برای مسائل اخلاقی، به‌ویژه عفت نفس در مقابل انگیزه‌های شدید جنسی اهمیت قائل است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۷۰۲-۷۰۳). بنابراین، عفت و پاکدامنی از جمله صفات پسندیده هر انسان فضیلت‌خواه و شرافتمند است که بندگان ویژه خداوند، تجسم عینی این خصلت بزرگ بوده و هستند.

#### ۶-۲. احترام به جان انسان‌ها

قرآن بر خلاف مکتب مادیگری، برای مقام و منزلت انسان احترام ویژه‌ای قائل است و در این زمینه آموزه‌های ارزشمندی ذکر نموده است، تا آنجا که خداوند می‌فرماید: «وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (فرقان: ۶۸)؛ نفسی را که خداوند آن را محترم شمرده نمی‌کشند، مگر در موردی که حق باشد (مانند قصاص). از صفات بارز بندگان خدا چنین است که آنها قتل نفس نمی‌کنند، مگر آنجایی که از طرف حق تعالی مأذون باشند، مثل قصاص نفس به نفس یا در حدودی که از طرف شرع حکم به اعدام کسی صادر شده باشد (امین، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۱۵). امیرمؤمنان علیه السلام درباره احترام گذاشتن به مرزها و حدود الهی که قتل نفس نیز از حدود الهی است، می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ... نَهَاكُمْ عَنْ أَسْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا» (نهج البلاغه،

به پروردگار عالم در انسان و تا مرحله رساندن آنها به حد نهایی و کمال مقام عبودیت است» (رضایی و نجفی، ۱۳۹۳، ص ۸۹). از این رو، خداوند متعال در سوره «فرقان» به برخی از ویژگی‌های عبادی بندگان خاص خود اشاره می‌کند که آنها در واقع شالوده انسان‌های الهی را پی‌ریزی می‌کنند.

#### ۲-۲-۱. شب زنده‌داری

از نشانه‌های بندگان خاص خدا، عبادت و پرستش در دل شب است. مناجات در دل شب، موجب می‌شود که آدمی از عمق جان به عبادت و ستایش پروردگار بپردازد و اساس یک نوع تزکیه و تهذیب نفس را پایه‌ریزی کند که او را برای فعالیت روزمره و صبر در برابر مشکلات مهیا سازد (سبحانی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۲). قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ يَبْتَئُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَ قِيَامًا» (فرقان: ۶۴)؛ و کسانی که شب هنگام برای خدا بیدار می‌مانند و سجده و قیام دارند. این آیه در رابطه با رفتار آنها در شب است، ظاهراً منظور آن نیست که همه شب بیدار می‌مانند، بلکه همین قدر شب را در حال قیام یا سجود درک می‌کنند (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۳۱۷). منظور از این شب زنده‌داری در حالت سجده و ایستاده این است که شب را به عبادت خدا به آخر می‌رسانند، که یکی از مصادیق عبادتشان همان نماز است که هم بر خاک افتادن و هم به پا ایستادن جزء آن شمرده می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۳۲). امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره فرد متقی واقعی می‌فرماید: «وَأَسْهَرَ التَّهَجُّدُ غِرَارَ نَوْمِهِ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۳، خطبه ۸۳)؛ و شب زنده‌داری خواب اندک را از چشم او گرفته است. مقصود اینکه یکی از صفات بنده خاص خداوند این است که علاقه به عبادت در شب و علاقه به خواندن نماز شب همین خواب کمی را که هم دارد از او می‌گیرد (منتظری، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۳۱۴-۳۱۵). همچنین ایشان در روایت دیگری می‌فرماید: «رهبان فی اللیل اسد فی النهار» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۰، ص ۲۰۷)؛ شب‌هنگام به نیایش خدا می‌پردازند و روز بسان شیر نیرومند، مشغول انجام وظیفه می‌گردند. از این رو، انسان‌های ایدئال و کمال‌خواه، تا وصول به مقصد، لحظه‌ای سکون و آرامش نخواهند داشت.

#### ۲-۲-۲. عدم پذیرش شرک

قرآن کریم پایه و اساس اصلاحات خدانشناسی و یکتاپرستی را مبارزه

با شرک و ثنویت دانسته و به شدت هرچه تمام‌تر با آن به مبارزه می‌پردازد. از این رو، خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ» (فرقان: ۶۸)؛ کسانی که همراه خدا معبود دیگری را نمی‌پرستند. از خصوصیات این‌گونه افراد این است که با خدای واحد، اله دیگری را نمی‌خوانند و وجهه قلبشان و چشم دلشان به مبدأ خود نگران است و در عبادت و طلب حاجت فقط روی امید به درگاه رحمت او دارند (امین، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۱۵). در این آیه شریفه مراد از شرک در عبادت این است که کسی هم خدا و هم غیر خدا را را پرستش کند که این عمل با اصول دوگانه‌پرستی و بت‌پرستی سازگار نیست؛ زیرا اصول و ثنیت به شخص بت‌پرست اجازه نمی‌دهد که خدا را به تنهایی و یا همراه با غیر خدا عبادت کند، بلکه انسان را سزاوار پرستش خدا نمی‌داند و بیان می‌کند که انسان باید اله‌های پایین‌تر از خدا را بپرستد تا آنها، ما را با شفاعت خود به خدا نزدیک کنند. بنابراین، علامه طباطبائی برای تعبیر مذکور سه وجه را ذکر می‌کند: (۱) اشاره به این است که هرچند مشرکان تنها غیر خدا را می‌پرستند، ولی معبود واقعی آنان نیز به هر حال خداست؛ زیرا پرستش خدا مسئله‌ای فطری است و چیزی که مشهود است مشرکان تنها راه را گم کرده‌اند، پس، نگرش به سوی غیر خدا، توجه به خدا و غیر خدا است، هرچند که اسمی از خدا برده نشود. (۲) یا اینکه بندگان رحمان افرادی هستند که فقط خدای یکتا را می‌پرستند نه غیر او را، ولی مشرکان با وجود خدا، غیر خدا را نیز می‌پرستند. (۳) اشاره به این عقیده خرافی است که عوام مشرک عرب داشتند، از قبیل توجه و توسل به خدایان تنها در خشکی فایده دارد و در دریا کارساز نیست؛ زیرا امور دریاها تنها به دست خداست و هیچ بت و صنمی در آن با وی شریک نیستند. در نتیجه منظور از خواندن خدا، تمسک به او در موردی، یعنی در شداید دریا و متوصل شدن به غیر او در موردی دیگر، یعنی در بلایای خشکی، ولی از همه وجوه بهتر وجه دوم است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۳۳). امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «فاجعلوا طاعة الله... وَ شَفِيعاً لِدَرْكِ طَلَبَتِكُمْ وَ جَنَّةٍ لِيَوْمِ فَرَعِكُمْ وَ مَصَابِيحٍ لِيُطُونَ قُبُورَكُمْ وَ سَكَنًا لِطُولِ وَحْشَتِكُمْ وَ نَفْسًا لِكَرْبِ مَوَاطِنِكُمْ فَإِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ حِرْزٌ مِنْ مَتَالِفِ مُكْتَنِفَةٍ وَ مَخَافَةٌ مُتَوَقَّعَةٍ وَ أَوَارٍ نِيرَانٍ مُوقَدَةٍ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۳، خطبه ۱۹۸)؛ اطاعت خدا را... شفیع گرفتن خواسته‌ها، پناهگاه روز اضطرار، چراغ روشن‌گر قبرها، آرامش وحشت‌های طولانی دوران



پاک‌سازی روح و روان انسان از آلودگی‌های گناه دارد. از سوی دیگر، بشر با تمسک به توبه، می‌تواند خود را از دره هولناک ناپاکی و گناه نجات دهد و با این واسطه عادی، روح و فکرش را شست‌وشو نماید و به خدای مهربان که خالق همه هستی است نزدیک گردد.

#### ۴-۲-۲. خوف و ترس از کیفر الهی

خوف و ترس از کیفر الهی، یکی از عواملی که انسان را در برابر هر نوع گناه و زشتی واکسیناسیون می‌کند، تا آنجا که خداوند منان می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا» (فرقان: ۶۵-۶۶)؛ کسانی که می‌گویند: پروردگارا! عذاب دوزخ را از ما بازگردان، حقا که عذاب آن لازم و جاودانی است، که جهنم قرارگاه و جای بدی است. واژه «غرام» به معنای شدت و مصیبتی است که دست از سر آدمی بردارد و همواره همنشین او باشد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۳۲). انسان‌های الهی به بهشت و دوزخ به گونه‌ای ایمان آورده‌اند که گویی آنها را می‌بینند و تماشا می‌کنند و بدین سبب، به یکی آزمیندند و از دیگری می‌ترسند. امیرمؤمنان علیه السلام در توصیف مؤمنان واقعی می‌فرماید: «آنان نسبت به بهشت بسان کسانی‌اند که آن را دیده و در آن به آسایش پرداخته‌اند و نسبت به جهنم، همانند کسانی‌اند که آن را دیده و در آن گرفتار عذاب‌اند» (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۷۸۳-۷۸۴). ایشان مردم را به ترس از خدا و یاد مرگ فرا می‌خواند: «وَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ يَشْتَدَّ خَوْفُكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ أَنْ يَحْسُنَ ظَنُّكُمْ بِهِ فَاجْمَعُوا بَيْنَهُمَا» (نهج البلاغه، ۱۳۹۳، نامه ۲۷)؛ اگر می‌توانید که ترس از خدا را فراوان و خوش‌بینی خود را به خدا نیکو گردانید، چنین کنید، هر دو را جمع کنید؛ زیرا بنده خدا خوش‌بینی او به پروردگار باید به اندازه ترسیدن او باشد و آن کس که به خدا خوش‌بین تر است، باید بیشتر از دیگران از کیفر الهی بترسد. امام علیه السلام خوف و ترس از کیفر الهی را درمان بیماری‌های روانی می‌داند و می‌فرماید: «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قَلْبِيكُمْ وَ بَصَرٌ عَمَى أَقْدِيدِكُمْ وَ شِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَ صَلَاحٌ فَسَادِ صُدُورِكُمْ وَ طَهْوَرُ دَسَسِ أَنْفُسِكُمْ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۳، خطبه ۱۹۸)؛ همانا تقوا و ترس از خدا، داروی بیماری‌های دل‌ها، روشنایی قلب‌ها و درمان دردهای بدن، مرهم زخم جان‌ها و پاک‌کننده پلیدی‌های ارواح شامست.

برزخ و راه نجات لحظات سخت زندگی قرار دهید؛ زیرا اطاعت خدا، وسیله ننگه‌دارنده از حوادث هلاک‌کننده و جایگاه‌های وحشتناک که انتظار آن را می‌کشید و حرارت آتش‌های برافروخته است. بنابراین، جامعه اسلامی می‌تواند ناراحتی‌های خود را به کمک ایمان به خدا رفع کند و از استرس و اضطراب مصون بماند.

#### ۳-۲-۲. توبه

در امان ماندن و بیمه شدن اشخاص در برابر آلودگی و مصیبت به مقدار اجتناب آنان از هوا و هوس بستگی دارد، به گونه‌ای که هرچه میزان خویشتن‌داری افراد بیشتر شود کمتر مرتکب گناه می‌شوند و گاهی در سایه نیروی خویشتن‌داری به مرحله‌ای از عصمت می‌رسند که به طور کلی در برابر گناه بیمه می‌گردند (سبحانی، ۱۳۹۷، ص ۳۱۳). قرآن کریم یکی دیگر از ویژگی‌های عبدالرحمن را توبه ذکر می‌کند: «يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَوْلِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا وَ مَنْ تَابَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا» (فرقان: ۶۹-۷۱)؛ عذاب آنان شدید می‌گردد و در آنجا جاودانه با حالت خواری می‌مانند. مگر کسانی که توبه کنند و ایمان بیاورند و کار نیک انجام دهند. در این موقع خداوند کارهای زشت آنان را به کار نیک تبدیل می‌سازد. خداوند آمرزنده و بخشنده است - هر کس توبه کند و عمل صالح انجام دهد او به سوی خدا بازگشت می‌کند. در این آیات اشاره شده که این گناهکاران تا در دنیا هستند می‌توانند برگردند و خودسازی کنند. به نظر می‌آید این آیه راجع به توبه مشرکان است که هم باید توبه کنند و نادم باشند و هم ایمان آوردند و هم عمل صالح انجام دهند که دلیل افتادن در راه حق است (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۳۱۹). امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه در حکمت ۱۳۰ می‌فرماید: «کسی که موفق به چهار چیز شود از چهار چیز محروم نمی‌شود: ۱) کسی که توفیق دعا بیابد، از اجابت محروم نمی‌شود. ۲) کسی که توبه کرد، از قبول محروم نمی‌شود. ۳) کسی که استغفار کند، از آمرزش محروم نمی‌شود. ۴) کسی که توفیق شکرگزاری یابد، از زیاد شدن نعمت محروم نمی‌شود. بنابراین، یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی که در این آیه شریفه به انسان ارزانی شده توبه همراه با ایمان و عمل صالح است، به گونه‌ای که آن نقش اساسی در

## ۲-۲-۵. تفکر در آیات الهی

رعایت شود، مسئله انفاق است؛ چراکه از آن به عنوان نیکوترین نشانه بر صدق ایمان یاد شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷)؛ آنان که هرگاه انفاق کنند، نه از حد گذرند و نه تنگ گیرند و میان این دو روش اعتدال دارند. از اوصاف ممتازه عباد الرحمن چنین است زمانی که انفاق می‌کنند در بذل و بخشش میانه‌رو هستند و از حد شرع خارج نمی‌شوند و اموال خود را در عمل بیهوده و نامشروع حدر نمی‌دهند، و نیز در انفاق بخل نمی‌ورزند و گویند اسراف بذل مال در محارم است، اگرچه یک حبه باشد و تقییر منع حق واجب است (امین، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۱۴). ظاهراً اسراف آنها به اندازه توانایی آنهاست؛ یعنی انفاقشان در حد اعتدال است، نه زیاده‌روی می‌کنند که بالاتر از توانایی خود بدهند و نه کمتر از شأن خود انفاق می‌کنند (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۳۱۸).

امیرمؤمنان علیؑ درباره اعتدال در انفاق می‌فرماید: «ما عالٍ مِّنْ اِقْتَصَادٍ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۳، حکمت ۱۱۴)؛ آنکه میانه‌روی کند، تهیدست نمی‌شود. هدف امامؑ از بیان این کلام نورانی، توجه دادن انسان‌ها به یکی از ارزش‌های اجتماعی است تا مسلمانان از افراط و تفریط دوری گزینند و در همه مسائل راه اعتدال و حد وسط را پیش گیرند. همچنین امامؑ می‌فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَخْتَصِمُهُمُ اللَّهُ بِالنَّعْمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ فَيَقْرَهُهَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَدَلُوهَا؛ فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَىٰ غَيْرِهِمْ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۳، حکمت ۴۲۵)؛ خدا را بندگانی است که برای سود رساندن به دیگران، نعمت‌های خاصی به آنان بخشیده، تا آنگاه که دست بخشنده دارند، نعمت‌ها را در دستشان باقی می‌گذارد و هرگاه از بخشش دریغ کنند، نعمت‌ها را از دستشان گرفته و به دست دیگران خواهد داد. بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که مسئله انفاق خداپسندانه از یک‌سو، برای افراد باایمان یک فریضه الهی است و از سوی دیگر، سلامت زندگی اقتصادی هر جامعه‌ای، به‌ویژه جامعه اسلامی در گرو اعتدال در مصرف است؛ زیرا هرگونه انحراف از اعتدال و افراط و تفریط از آن، جامعه و حکومت را از مسیر حق و عدالت بیرون می‌برد.

## ۲-۲-۷. درخواست فرزند صالح

از جمله نشانه‌های بندگان خاص خدا، این است که همیشه خواستار فرزند شایسته و فرزندان پاک از همسران و نسل خویش می‌باشند. آنها

اساس تربیت صحیح بر معرفت و تفکر است، به گونه‌ای که آدمی با خردورزی به نشانه‌های الهی دست می‌یابد و به فضائل الهی متصف می‌شود. آنجا که قرآن کریم یکی دیگر از ویژگی‌های تربیتی انسان‌های خاص را به کارگیری تفکر و تعقل در پذیرش آیات الهی ذکر می‌کند: «وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَ عُيُانًا» (فرقان: ۷۲)؛ افرادی که به آیه‌های خدای خود یادآوری شدند، کر و کور بر آن نمی‌افتند. اگر انسان تربیت عقلانی بیابد و اهل تفکر و اندیشه شود و ندای عقل خود را بشنود و به آنچه در نتیجه تفکر و تعقل بدان می‌رسد، عمل نماید، به رستگاری دست می‌یابد. خداوند منان هم کلام خود را بر همین اساس قرار داده و عقل را به نیرویی تشبیه کرده که انسان در دینش از آن برخوردار می‌شود و به وسیله آن راه را به سوی حقایق و اعمال صالح پیدا نموده و پیش می‌گیرد، پس اگر عقل در چنین حالتی نباشد، دیگر عقل نامیده نمی‌شود (آذربایجانی و شجاعی، ۱۳۹۴، ص ۷۰). آنجا که خداوند متعال از چنین انسان‌هایی یاد می‌کند که در روز رستاخیز می‌گویند: «وَ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (ملک: ۱۰)؛ و گویند: اگر شنیده (و پذیرفته) بودیم یا تعقل کرده بودیم، در میان دوزخیان نبودیم. امام علیؑ به تبع از قرآن کریم می‌فرماید: «ما بَرِحَ لِلَّهِ عَزَّتْ أَلَاؤُهُ فِي الْبُرْهَةِ وَ فِي أَرْزَامِ الْفَتَرَاتِ عِبَادٌ نَّجَاهُهُمْ فِي فِكْرِهِمْ وَ كَلِمَتُهُمْ فِي ذَاتِ عُقُولِهِمْ» (نهج البلاغه، ۱۳۹۳، خطبه ۲۲۲)؛ خداوند که نعمت‌های او گران‌قدر است، در دوره‌های مختلف روزگار و در دوران جدایی از رسالت بندگانی داشته که با آنان در گوش جان‌شان زمزمه می‌کرد و در دوران عقلشان با آنان سخن می‌گفت. بنابراین، از کارکردهای عقل در نهج البلاغه می‌توان نظارت بر امور و در نظر گرفتن جوانب و ابعاد مختلف آن، فهم دقیق و تجزیه و تحلیل محتوای سنان، تدبیر و برنامه‌ریزی، قضاوت منصفانه را نام برد (خطبه ۱۶۱؛ ۹۷؛ حکمت ۱۱۳؛ نامه: ۷).

## ۲-۲-۶. اعتدال در انفاق

یکی از مهم‌ترین مسائل تربیت عبادی اسلام، اصل «اندازه نگاهداری در معیشت» است و این امر زمانی تحقق می‌یابد که اخلاق اقتصادی در جامعه اسلامی حاکم شود. از این‌رو، یکی از اموری که در اسلام بر آن تأکید فراوان شده که جانب اعتدال در آن

– سوره «فرقان»، بیست و پنجمین سوره قرآن و از سوره‌های مکی است که مضامین آیات آن غالباً اصول اعتقادی اسلام، بخصوص موضوع آشنایی با مبدأ و معاد و بازگشت مردم به زندگی بعد از مرگ است.

– در آیات آخر این سوره، تعداد بسیاری از مؤلفه‌های اخلاقی و عبادی برای معرفی بندگان خاص خداوند مطرح شده است. این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که اسلام برای تعالی و تکامل شخصیت انسان یک برنامه کلی و جامع طراحی و تدوین نموده که در آن به دو بعد جسمانی و روحانی انسان توجه ویژه‌ای نموده است.

– ویژگی‌های اخلاقی عباد الرحمن در سوره «فرقان» و «نهج البلاغه» شامل تواضع و فروتنی، حلم و بردباری در برابر جاهلان، عدم حضور در مجالس گناه، پرهیز از کارهای لغو و بیهوده، عفت و پاکدامنی، احترام به جان انسان‌ها و پیشوای متحد و مسئول پرهیزکاران است.

– ویژگی‌های عبادی بندگان خاص خدا در این سوره و نهج البلاغه مانند شب زنده‌داری، عدم پذیرش شرک، پاک‌سازی روح و روان، خوف و ترس از کیفر الهی، تفکر در آیات الهی، اعتدال در انفاق و درخواست فرزند صالح می‌باشند.

## منابع.....

- نهج البلاغه (۱۳۹۳). ترجمه محمد دشتی. چ نوزدهم. قم: پیام مقدس.  
 ابن شعبه حرانی، حسن بن حمد (۱۳۹۳). تحف العقول عن آل الرسول. ترجمه صادق حسن‌زاده. قم: آل‌علی.  
 ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). معجم المقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.  
 ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.  
 ابن میثم، کمال‌الدین میثم بن علی (۱۳۸۸). شرح نهج البلاغه ابن میثم. ترجمه سیدمحمدصادق عارف و قربانعلی محمدی مقدم. چ سوم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.  
 امین، نصرت‌بیگم (بی‌تا). مخزن العرفان در علوم قرآن. بی‌جا: بی‌نا.  
 آذربایجانی، مسعود و شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۴). روان‌شناسی در نهج البلاغه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.  
 جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة. چ چهارم. بیروت: دارالعلم للملایین.  
 حسینی، سیدخلیل (۱۳۹۰). بهشت اخلاق: درسنامه ترکیه و خودسازی. قم: مسجد مقدس جمکران.  
 خادمیان نوش‌آبادی، سیدحسین (۱۳۸۴). عطر معصومیت: مباحثی درباره تربیت و اخلاق اسلامی. قم: مشهور.

نه تنها طالب فرزند نیکوکار از همسران خود هستند، بلکه خواستار پاک‌ی نسل خویش که از فرزندان آنان به وجود می‌آید، نیز می‌باشند. قرآن کریم درباره این‌گونه افراد می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ» (فرقان: ۷۲)؛ پروردگارا! برای ما از همسران ما و نسل خویش، فرزندان عطا فرما که مایه روشنی چشم ما باشد. منظور بندگان خاص الهی از اینکه در دعای خود تقاضا می‌کنند به اینکه همسران و فرزندانشان روشنی چشم ایشان باشد، این است که به اطاعت خدا و اجتناب از گناه توفیق یافته و در نتیجه از اعمال صالح آنان، چشم ایشان روشن گردد. این دعا نشان می‌دهد که بندگان رحمان غیر از این دیگر درخواستی ندارند و نیز می‌رساند که بندگان ویژه الهی اهل حقتد و پیروی از هوای نفس نمی‌کنند؛ زیرا هر همسر و هر ذریه‌ای را دوست ندارند، بلکه آن همسر و ذریه را دوست دارند که بنده خدا باشند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۳۹). تربیت فرزند و راهنمایی همسر و وظیفه پدران و مادران در برابر کودکان خود از مهم‌ترین مسائلی است که قرآن بر آن تکیه کرده است. «قره عین» معادل روشنی چشم است که در فارسی کنایه از کسی که مایه سرور و خوشحالی می‌شود. اصل این واژه از ماده «قُرَّ» به معنای سردی و خنکی است و از آنجا که معروف است (و بسیاری از مفسران به آن تصریح کرده‌اند)، اشک شوق همواره خنک و اشک‌های غم و اندوه داغ و سوزان است، از این‌رو، «قره عین» به معنای چیزی است که مایه خنک شدن چشم انسان می‌شود؛ یعنی اشک شوق در چشمان او حلقه می‌زند و آن کنایه از سرور و شادمانی است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۱۶۸). از این‌رو، داشتن فرزند صالح نه تنها موجب گسترش شخصیت انسان می‌شود، بلکه موجب بقای وجود او پس از مرگ وی است.

## نتیجه‌گیری

از بررسی نکات تربیتی سوره مبارکه «فرقان» و «نهج البلاغه» با در نظر گرفتن سیاق آیات نتایج زیر به دست آمد:

– تربیت صحیح در اسلام جایگاه ارزشمندی دارد تا حدی که یکی از ارکان بعثت پیامبران، تربیت انسان‌ها طبق آموزه‌های الهی است. از این‌رو، جایگاه و اهمیت تربیت در آیات و روایات اسلامی به خوبی شناخته شده است؛ چراکه تنها راه رسیدن به فلاح و رستگاری و فرار از حرمان و ناامیدی در گرو تربیت الهی و اسلامی است.

- خاصیان سرابی، وحید و دیگران (۱۳۹۹). رابطه عبد و رب، آموزه‌های قرآنی، ۳۱، ۱۵۳-۱۷۸.
- خدادادی، شیلا (۱۳۷۹). «عباد الرحمن». حکمت سینوی (مشکوٰۃ النور)، ۱۲، ۵-۱۲.
- خوشفر، محسن. (۱۳۹۸). الگوی تربیتی آیات حج با تکیه بر تفسیر المیزان، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۱۱ (۲)، ۷۹-۱۰۴.
- رضایی، محمدعلی و نجفی، حمید (۱۳۹۳). تربیت عبادی از منظر قرآن. قرآن و علم، ۸ (۱۴)، ۸۵-۱۲۰.
- زمانی، اکرم (۱۳۸۸). ویژگی‌های ایمان و مؤمنین در قرآن و سنت. اخلاق، ۱۷، ۵۶-۸۶.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). أساس البلاغه. بیروت: دارالمعرفه. سادات، محمدعلی (۱۳۷۱). اخلاق اسلامی. تهران: سمت.
- سیحانی، جعفر (۱۳۹۷). سیمای انسان کامل در قرآن. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- سیدکریمی حسینی، عباس (۱۳۸۲). تفسیر علیین. قم: اسوه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین.
- طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. مصر: نهضة المصر.
- عارفی میناآباد، راهب (۱۳۹۵). سیمای عبادالرحمن در نهج البلاغه. حبل المتین، ۵ (۱۶)، ص ۱۳۹-۱۵۱.
- عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰). تفسیر عاملی. تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: کتابفروشی صدوق.
- علوی تراکمه‌ای، سیدمجتبی (۱۳۷۷). شرح خطبه متقین. قم: هجرت.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). العین. قم: هجرت.
- قرشی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). بحار الأنوار. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محدثی، جواد (۱۳۸۶). وحدت و انسجام. چ دوم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸). تفسیر کاشف. ترجمه موسی دانش. قم: بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. چ دهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). پیام امیرالمؤمنین: شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۳). درس‌هایی از نهج البلاغه. تهران: سرابی.
- نجاتی، محمدعثمان (۱۳۶۷). قرآن و روانشناسی. مشهد: آستان قدس رضوی.